دیدگاه اعضای هیأت علمی در خصوص بعضی از شاخص های آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (۱۳۸۰)

داریوش شکیبایی *؛ شیرین ایران فر **؛ نصرت الله منتظری **؛ منصور رضایی *** ناهید یاری **** حکیده :

سابقه و هدف: با توجه به اینکه در شرایط زندگی امروز ، نیازهای جامعه در حال تغییر دایمی هستند ، چنین توصیه شده که ما نیز می بایست در آموزش خود تغییر ایجاد کنیم . نظر به اینکه استفاده از تجربیات مدرسان می تواند نقش مهمی در این خصوص داشته باشد و با توجه به کمبود اطلاعات در این زمینه ، مطالعه حاضر به منظور تعیین دیدگاه اعضای هیأت علمی در مورد بعضی از شاخصهای آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۸۰ صورت گرفته است. مواد و روشها: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی از پرسشنامهای مشتمل بر دو قسمت (مشخصات دموگرافیک اعضای هیأت علمی و نظرهای آنان در خصوص شاخصهای آموزشی) استفاده گردید . برای تعیین روایی از روایی محتوا و برای تعیین پایایی ابزار از یک مطالعه مقدماتی و تعیین آلفای کرانباخ استفاده شد که ضریب همبستگی ۰/۷ را نشان داد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آمار تحلیلی (ضریب همبستگی و آزمون کای دو) استفاده شد. یافته ها: از مجموعه اعضای هیأت علمی شاغل در دانشگاه، ۱۵۷ نفر پرسشنامه را تکمیل نمودند . ٦٩ درصد آنان مرد، محل اشتغال ۷٤/٤ درصد در دانشکده پزشکی، ۹۰/۷ درصد در کارگاههای روش تندریس شنرکت کنرده بودنند و ۲۲/۹ درصد، کارگاهها را بانیازهای آموزشی مدرسان مناسبدانستند. همچنین عمدتاً گذراندندوره یا واحدخاصی را درخصوص روش تدریس برای مدرس الزامی(۸۷/۹) و زمان مناسب آن را قبل از شروع بکار دانسته اند. مهم ترین مشکلات آموزشی را عدم توجه مسئولین به مشکلات آموزشی (۵۰/۳)، عدم هماهنگی رشته های آموزشی با نیاز جامعه (۵۶٪)، عدم تناسب تعداد دانشجویان با امکانات، فضای آموزشی و نیرویانسانی(۲/۰۰٪) و همچنین نامناسب بودن گزینش دانشجو (۲۸/۱٪) دانستند. بحث: به رغم اینکه حدود یک سوم اعضای هیأت علمی، کارگاههای روش تدریس را مناسب با نیازهای آموزشی خود ندانسته، اما عموماً برگزاری کارگاههایی را بهشکل مداوم و متوالی ضروری دانسته اند. همچنین اعضای هیأت علمی میزان توجه مسئولین به مشکلات آموزشی و میزان تناسب تعداد دانشجویان با امکانات و فضای آموزشی و نیروی انسانی را ضعیف ارزیابی نمودند. چنین به نظر می رسد که توجه بیش از پیش مسئولین به کمیت و کیفیت کارگاهها و رفع مشکلات آموزشی دانشگاه قابل تأکید است و استفاده از مشارکت بیشتر اعضای هیأت علمی در این خصوص توصیه می گردد. **کلیدواژهها:** شاخصهای آموزشی، دیدگاه اعضای هیأت علمی ، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه .

^{*} استادیار گروه فیزیولوژی و عضو مرکز تحقیقات بیولوژی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.

^{**} عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. ** Ph.D آمار حیاتی و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.

^{****} كارشناس مركز توسعه، دانشگاه علوم پزشكي كرمانشاه.

^{*}عهدهدار مکاتبات: کرمانشاه، باغ ابریشم، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی، تلفن ٤٢٧٤٦١٩-٠٨٣١.

مقدمه:

آموزش به معنای هر گونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح ریزی شده ای است که هدف از آن ایجاد یادگیری در افراد (۱) و ایجاد تغییرات لازم در رفتار آنها می باشد (۲). به عبارت دیگر آموزش با هدف ایجاد تغییر به منظور رفع نیاز انجام می شود. با توجه به اینکه در شرایط زندگی امروز که نیازهای جامعه در حال تغییر دایمی هستند، بنابر این لازم است که ما نیز در آموزش خود تغییر ایجاد کنیم(۳). در ارتباط با نظام آموزش پزشكى كشور چنين پيشنهاد شده که توجه بیشتر به کیفیت آموزش به منزله ابزار اصلی تأمین مراقبتهای درمانی، بهداشتی مورد نیاز در کشور و در نهایت ارتقای سطح تندرستی جامعه، امری ضروری است، در غیر این صورت مسئولیت کلیه تبعات درمانی - بهداشتی و ناکارآمدی دانش آموختگان بر عهده متولیان امر آموزش خواهد بود (٤). این در حالی است که اساساً آموزش چندان جدی گرفته نمی شود؛ به عنوان مثال در اکثر موارد، از فارغ التحصيلان تخصصهاي مختلف پزشكي به عنوان عضو هیأت علمی استفاده می شود، بدون آنکه در ارتباط با مفهوم آموزش و شرایط و لوازم آن آموزش کافی دیده باشند(۳). با توجه به مشکلات فوق و با توجه به اینکه تجربه تدوینی برنامههای آموزشی در کشور ما بسیار محدود می باشد، لذا به نظر می رسد راه مناسب آن باشد که با حداکثر بهرهگیری از تجربیات دیگران در این زمینه و با توجه به شرایط ویژه خود، به تدوین برنامههای آموزشی مناسب تر اقدام کنیم (۳). در این باره استفاده از دیدگاههای مدرسان دانشگاه در عین حال که از

یک طرف می تواند تجارب وسیعی را در اختیار برنامه ریزان آموزشی قرار دهد، از طرف دیگر فاصله بین تئوریهای کلاسیک آموزشی و مشکلات و موانع عملی اجرای این تئوریها را روشن تر می سازد و نقش مهمی در رویکرد واقع گرایانه مسئولین و برنامهریزان نسبت به وضعیت آموزشی دانشگاه خواهد داشت. در یکی از مطالعات صورت گرفته مشخص شده که اعضای هیأت علمی یکی از دانشکدههای پزشکی کشور، عمدهترین مشکلات آموزشی را بهترتیب اولویت: عدم قانونمندی، عدم برنامه ریزی ، عدم توجه به مسائل آموزشی، اشكالات مديريتي و مشكلات مالى دانستهاند(٥). در یک بررسی چنین اظهار شده که در شرایط کنونی کشور ما که در مدت نسبتاً کوتاهی، تعداد دانشجویان پزشکی به چندین برابر افزایش یافته و به دلیل عدم رشد متناسب بودجه و امکانات، بودجه سرانه آموزش پزشكى كاهش يافته است، بايد كفايت ابعاد مختلف آموزش پزشکی که در نهایت بر کیفیت حرفهای فارالتحصیلان این رشته تأثیر مستقیم دارد، مورد بررسی قرار گیرد (٦). بعضاً عنوان شده که بهطور كلى دوره آموزش پزشكى عمومى حداقل استاندارد مورد نیاز را که می بایست تأمین گردد، فراهم نساخته است(۷). در مجموع به نظر میرسد که استفاده از تجربیات و دیدگاههای اعضای هیأت علمی می تواند نقش مهمی در تدوین برنامههای آموزشی مناسب تر و کمک به حل مشکلات گذشته و ارتقای سطح آموزش دانشگاه داشته باشد. شاخصهای آموزشی که در این بررسی برای تعیین وضعیت آموزشی مورد استفاده قرار گرفته است

شامل امکانات آموزشی، برنامهریزی آموزشی، نحوه پذیرش دانشجو، کارگاههای آموزشی، روشهای تدریس و ارزشیابی و عوامل مؤثر بر موفقیت آموزشی بودند.با توجه به کمبود اطلاعات در این زمینه ، هدف مطالعه حاضر بررسی وضعیت بعضی از شاخصهای آموزشی از نظر آموزشدهندگان این سیستم ، یعنی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه می باشد.

مواد و روشها:

پژوهش حاضر مطالعهای توصیفی-تحلیلی است. ابزار گردآوری دادهها در این مطالعه پرسشنامهای مشتمل بر ۲ قسمت بود. قسمت اول مشخصات فردی از جمله سن ، جنس ، وضعیت تأهل ، وضعیت استخدامی ، سابقه تدریس ، دانشکده محل خدمت و واحدها و کارگاههای گذرانده شده در خصوص روش تدریس بود. قسمت دوم شامل ۳۷ سئوال براساس مقیاس لیکرت در موضوعات مختلف شامل ضرورت گذراندن کارگاههای روش تدریس در زمان مناسب آن ، عوامل مؤثر بر موفقیت آموزشی مدرس، امکانات آموزشی موجود در دانشکدهها، نحوه مدیریت، برنامهریزی و مشارکت اعضای هیأت علمی در روند آموزشی ، مشکلات پذیرش دانشجو و پیشنهادها بود. برای تعیین روایی و پایایی ابزار اندازه گیری بهترتیب از اعتبار محتوا و ضریب آلفای کرانباخ استفاده گردید که ضریب همبستگی آن ۱/۷ به دست آمد. جامعه مورد بررسی، اعضای هیأت علمی دانشگاه بودند و روش نمونه گیری، نمونه در دسترس بود. پرسشنامه توسط

همکاران تحقیق در بین اعضای هیأت علمی توزیع و پس از تکمیل توسط آنها، جمع آوری ، کد گذاری و توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت . روش تجزیه و تحلیل به این ترتیب بود که ابتدا اطلاعات بهشکل درصد پاسخهای علامتگذاری شده برای هر مورد از سئوالات تعیین گردید و سپس پاسخهای داده شده برحسب سن، جنس ، وضعیت استخدامی، سابقه تدریس و سایر مشخصات فردی به تفکیک در جداول یک و دو بعدی بهصورت فراوانی و درصد مشخص گردید. علاوه بر آن برای فراوانی و درصد مشخص گردید. علاوه بر آن برای نشان دادن همبستگی بین متغیرها از آزمون مجذور کای و ضریب توافق چوبروف استفاده شد.

يافتهها:

از مجموع ۲۰۰ عضو هیأت علمی شاغل در دانشگاه به طور کلی تعداد ۱۵۷ پرسشنامه تکمیل شد و مورد بررسی قرار گرفت. از بین این تعداد ۳۱٪ زن ، ۱۸۹٪ متأهل، ۲۲۲٪ رسمی قطعی ، ۲۰/٤٪ رسمی آزمایشی و بقیه پیمانی ، ۲۷٪ مربی ، ۲۷٪ مربی ، ۲۰/۱٪ دانشیار بودند. ۲۷٪ مربی ، ۲۰/۱٪ در دانشکده استادیار، ۲/۱٪ دانشیار بودند. ۲/۲٪ در دانشکده پرشکی ، ۲۵٪ در دانشکده بهداشت و ۱۲۱٪ در دانشکده پرستاری و مامایی شاغل بودند. ۲/۱۲٪ قبل از شروع به کار آموزش ، دوره یا واحدی در ارتباط با روشهای آموزشی نگذرانده بودند، ۷۰/۷ درصد در کارگاههای روش تدریس شرکت کرده بودند. ۱۹۲۸٪ افراد این کارگاهها را متناسب با نیازهای آموزشی خود دانستند. ۹۷۸٪ نیاز به گذراندن دوره یا واحدی خاص برای اندوختن دانش روش تدریس یا واحدی خاص برای اندوختن دانش روش تدریس و ۹۷۲٪ ضرورت تداوم کارگاه را زیاد ارزیابی

کردند. درجدول ۱ توزیع دیدگاه اعضای هیأت علمی در ارتباط با عوامل مؤثر در موفقیت آموزشی نشان داده شده است.

اعضای هیأت علمی میران امکانات آموزشی دانشكدهها، مثل مناسب بودن مكان كلاسها، ابعاد کلاسها، امکانات فیزیکی، سکوت و آرامش در کلاسها و وسایل کمک آموزشی را زیاد ارزیابی کردند که بیشترین درصد زیاد مربوط به وسایل کمک آموزشی مثل دستگاه اورهد و ایک (۵۲/۸٪)

و کمترین آن مربوط به فیلم های آموزشی (۳۱/۲٪) بود. در خصوص مدیریت و مشارکت اعضای هیات علمی در برنامهریزی آموزشی به ترتیب، ۵۰٪ میزان نقش اعضای هیأت علمی را در ارزشیابی برنامهها، ۳۵/۹ درصد میزان اجرای قوانین آموزشی، ۲۸/۸ درصد برنامه ریزی آموزشی، ۲۷/۳ درصد، مدیریت آموزشی و ۱٦/۸درصد توجه به مشکلات آموزشی را مناسب ارزیابی کردند.

جدول ۱: توزیع دیدگاه اعضای هیأت علمی در خصوص اهمیت عوامل مؤثر در موفقیت آموزشی آنها در

دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه(۱۳۸۰)					
	جمع	کم	متوسط	زياد	ميزان اهميت
					رامل
	100		٩	١٤٦	ک تخمیم

جمع	کم	متوسط	زياد	میزان اهمیت
				عوامل
100		٩	157	مدرک تخصصی
(1••)	(•)	(o/A)	(92/7)	
701	•	•	۲۵۱	داشتن توان علمي
(1••)	(•)	(•)	(1••)	
100	•	1.	120	توانایی سخنوری
(1••)	(•)	(7/0)	(94/0)	
100	١	١٤	12.	توان مهارتهای ارتباطی
(1••)	(•/٦)	(٩)	(9 • /٣)	
100	٤	47	174	توان ایجاد تفکر نقاد
(۱۰۰)	(۲/٦)	(1A/1)	(V9/T)	
107	٧	٣٤	111	توان ایجاد حل مشکلات در
(1••)	(٤/٦)	(۲۲/٤)	(٧٣)	دانشجويان
107	٩	٤٢	1.1	فعالیت پژوهشی استادان
(1)	(0/9)	(۲۷/٦)	(٦٦/٥)	

۲۹/۵ درصد میزان تناسب کم را برای برنامهریازی متمرکز دانشگاهها اعلام کردند. در خصوص پذیرش دانشجو، ۵۶ درصد هماهنگی رشتههای تحصیلی با نیازهای جامعه، ۵۱درصد انتخاب مستعدترین افراد را در کنکور، ۲۰/۳ درصد تناسب تعداد دانشجو با امکانات آموزشی، ۲۸/۳ درصد گزینش دانشجو به روش سهمیهای را نامناسب و ۲۱/۵٪ گرزینش دانشجو به دانشجو را به روش منطقهای و ۶۶ درصد گرزینش براساس بومیبودن را مناسب دانستند. ۹۸۵درصد اعضای هیأت علمی احتساب معدل دبیرستان در کنکور سراسری، ۲۸/۱ درصد اضافه کردن سئوالات تشریحی را به کنکور و ۲۸/۱ درصد مصاحبه اختصاصی در کنکور و ۲۹/۱ درصد حدف اختصاصی در کنکور را پیشنهاد دادند.

در جدول ۲، توزیع دیدگاه اعضای هیأت علمی در خصوص مناسببودن برنامه ریزی متمرکز برحسب مرتبه علمی آنان نشان داده شده است. ۲۲/۹ درصد مربی در مقابل ۲۲/۵ درصد استادیاران، برنامه ریزی متمرکز را مناسب دانستند که این

اختلاف از نظر آماری معنادار بود(۲۰۵). هماهنگی رشتههای تحصیلی با نیاز جامعه از نظر ۵٤/۸ درصد مربیان و ۳٤/۲ درصد استادیاران مناسب است. درمورد افزودن مصاحبه در کنکور، مربی های دانشکده ها نسبت به استادیاران تمایل بیشتری را نشان دادند(۸۵/۸ در مقابل ۲۰/۶ درصد) که بین آنها تفاوت معنادار آماری وجود داشت (P=٠/٠٠١). از نظر استادان دانشکده پزشکی توان ایجاد حل مشکل در دانشجو از عوامل مؤثر در موفقیت تدریس اهمیت کمتری نسبت به دانشکدههای غیر یزشکی داشت(۸۷/۸ در مقابل ۸۸/۱ درصد) که تفاوت معنادار آماری وجودداشت (۹۳/ P=). اعضای هیأت علمی دانشکدههای غیرپزشکی افزودن مصاحبه اختصاصی به کنکور را ضروری تر ازاعضای هیأت علمی دانشکده یزشکی دانستند (۵۷/۱ در مقابل ۲۲/۲ درصد) که این تفاوت از نظر آماری نیز معنادار

درجدول ۳ توزیع سنی اعضای هیات علمی برحسب تناسب شیوه گزینش علمی نشان داده شده

جدول ۲- توزیع دیدگاه اعضای هیأت علمی در خصوص مناسب بودن برنامه ریزی متمرکز برحسب مرتبه علمی آنان

بود (۱۰۱).

در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (۱۳۸۰)					
جمع	زياد	متوسط	کم	مناسب بودن برنامهریزی مرتبه علمی	
٤٣	۱۸	10	٩	مربی	
(1••)	(٤٢/٩)	(٣٥/V)	(۲۱/٤)		
111	70	٦٥	٣٠	استاديار	
(1)	(۲۲/٥)	(0./0)	(۲۷)		

جدول ٣- توزيع سنى اعضاى هيأت علمى برحسب تناسب شيوه گزينش علمى از ديدگاه آنان

در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (سال ۱۳۸۰).

جمع	زياد	متوسط	کم	میزان تناسب شیوه گزینش
				سن
٧٦	١٤	44	٣٠	کمتر از ٤٠ سال
(1••)	(11/2)	(٤٢/١)	(٣٩/٥)	
٧١	10	٤٣	١٣	بیشتر از ٤٠ سال
(1)	(۲۱/۱)	(٦٠/٦)	(11/4)	

جدول ۴ – توزیع سابقه کار اعضای هیأت علمی بر حسب نقش فعالیت پژوهشی استادان در موفقیت آموزشی

از دیدگاه آنان در دانشگاه علوم یزشکی کرمانشاه (سال ۱۳۸۰).

		, ,	J# \ J	• • •
جمع	زياد	متوسط	کم	نقش فعالیت پژوهش
				سابقه کار (سال)
٨٢	٤٩	47	٧	1-9
(1)	(09/1)	(٣1/V)	(A/O)	
77	٤٩	11	۲	140
(1)	(٧٩)	(1V/V)	(٣/٣)	

است: اعضای هیأت علمی با سن ٤٠ و بالاتر شیوه فعلی را مناسب تر از اساتید با سن کمتر از ٤٠ سال ارزیابی کردند.

اعضای هیأت علمی با سن ٤٠ سال و بالاتر گزینش بومی را مناسب تر از اعضای هیأت عملی بــا سن کمتر از ٤٠ سال (٥٧/٧ در مقابل ٣١/١درصـد) ارزیابی کردند که تفاوت معنادار آماری را نشان داد بحث: (P=٠/٠٢). اعضای هیأت علمی با سن ٤٠ سال و بالاتر احتساب معدل دبیرستان را در کنکور سراسری ضروری تر از اعضای هیأت علمی با سن کمتر از ٤٠

سال دانستند (۸۸ در مقابل ٤٩/٤ درصد) كه اين اختلاف معنادار بو د (P=٠/٠٤).

جدول ٤ نشان مي دهد كه اعضاى هيأت علمي با سابقه بیش از ۱۰ سال، فعالیت یژوهشی را از عوامل مهم موفقیت در تدریس می دانند (P=٠/٠٥).

على رغم اينكه حدود يک سوم اعضاى هيأت علمي، کارگاههای روش تــدریس را متناســب بــا نیازهـــای آموزشی خود ندانستهاند، اما عمدتاً با برگزاری

کارگاهها قبل از شروع به کار، در حین تدریس و به صورت مداوم و متوالى موافق بودند. در مطالعهاى اعضای هیأت علمی نیاز به گذراندن کارگاه فرایند آموزشی در علوم پزشکی (۸۳٪)، طرح درس(۹۰٪)، ارزشیابی و استانداردسازی سئوالات امتحانی (۱۰۰٪) و کامپیوتر و زبان انگلیسی (۱۰۰٪) را ابراز نمودهاند (۸). همچنین در مطالعه دیگری درخصوص آموزش طب سرپایی مشخص گردید که حدود ۷۷ درصد اعضای هیأت علمی خواهان گذراندن کارگاههایی برای آشنایی بیشتر با جزئیات مسأله بودند (۹). تمامی این نتایج و از جمله یافته های مطالعه حاضر حاکی از احساس نیاز شدید اعضای هیات علمی نسبت به آشنایی بیشتر با جنبه های مختلف آموزش پزشکی است. این در حالی است که از یک طرف طبق اظهار نظر كارشناسان، فرايند آموزش پزشكى چندان جدی گرفته نمی شود و از فارغالتحصیلان تخصصهاى مختلف پزشكى بهعنوان هيأت علمى استفاده می شود، بدون آنکه در ارتباط با مفهوم آموزش و شرایط و لوازم آن آموزش کافی دیده باشند (٣). همچنین اذعان شده که کمبود مطالعات رسمی در مورد تدریس در بین اعضای هیأت علمی منجر به کاهش بازده آموزشی دانشگاه می شود(۱۰)، اما از طرف دیگر توقعات آموزشی قابل ملاحظهای از همین اعضای هیأت علمی انتظار میرود؛ بـهعنـوان مثال در ارزشیابی اعضای هیأت علمی توسط دانشجویان، موارد متعددی از جمله به روز بودن مسائل علمی، مهارتهای ارتباطی مدرس، روش ارزشیابی دانشجویان، نحوه استفاده از ابزار کمک آموزشی و غیره مورد بررسی قرار می گیرد. در چنین

شرایطی احساس نیاز مدرسین به افزایش اطلاعات در زمینه های آموزشی طبیعی است و در مطالعات متعددی نیز نگرش مثبت اعضای هیأت علمی نسبت به کارگاه های مرتبط با اصول آموزش پزشکی و تحولات آموزشی گزارش شده است (۱۱و ۱۱). در مجموع با توجه به مطالعه دیگران و نتایج حاضر، نهادینه شدن کارگاههای آموزش پزشکی به شکل مداوم، متوالی و مستمر، در زمینه های مختلف پیشنهاد می گردد. همچنین با توجه به اینکه راندمان کارگاه در سنین کمتر بیشتر میباشد(۱۰)، پیشنهاد میشود که برنامههای آموزشی از ابتدای استخدام اعضای هیأت علمی برگزار شود . اعتقاد به نقش بالای توانایی سخنوری ، مدرک تخصصی و توانعلمی و ارتباطی در موفقیت آموزشی مدرس و در مرحله بعدی قرار گرفتن متغیرهایی از قبیل توان ایجاد تفکر نقاد ، توان ایجاد حل مشکل در دانشجویان و فعالیت های پژوهشی استادان نیز می تواند ریشه در سهم بالای شیوه سخنرانی در روشهای آموزشی متداول و حاکمیت روشهای سنتی بر دانشگاهها داشته باشد. این نکته خلاف تأکید مطالعات بر عدم کارایی آموزش به روش سخنرانی و یادگیری به روش حافظهای در پیشرفت تحصیلی و در نتیجه پیشرفت کشور است و به این دلیل توصیه به استفاده از روشهای غیرسنتی به وفور مشاهده می گردد (۱۲و۱۳). همچنین باوجود اینکه اعضای هیأت علمی بـهطـور کلی امکانات آموزشی موجود را خوب ارزیابی نمودهاند، اما توجه مسئولین به مشکلات آموزشی دانشگاه را ضعیف دانسته اند. نتیجه حاضر می تواند حاکی از دوری مسئولین از اعضای هیأت علمی در

امر مدیریت آموزشی و در واقع انعکاس عدم استفاده از مدیریت مشارکتی در مراکز علمی کشور باشد. در حالی کـه محـدودیت امکانـات و فـضای آموزشی در برخی از دانشگاههای کشور مشکلاتی را مطرح کرده است(۱۷-۱۷)، رضایت نسبی مدرسين دراين خصوص فرصت مناسبي جهت فعالیتهای آموزشی در کرمانشاه را فراهم ساخته است. با توجه به اهمیت و نقش اعضای هیأت علمی در سیستم آموزشی چنین به نظر میرسد مشارکت بیشتر آنها در امر مدیریت نقش عمدهای در ارتقای کیفیت آموزشی داشته باشد (۱۸). از سوی دیگر، عدم ارزیابی علمی و مستمر از مدیریت آموزشی دانشگاه، موجب ناقص ماندن حلقه بازخور می شود و یقیناً این ضعف تأثیر منفی در سیستم آموزشی خواهد داشت (۱۷). اعضای هیأت علمی در خصوص نحوه گزینش دانشجو، میزان تناسب دانشجو با امکانات آموزشی ، نیروی انسانی و فضای آموزشی ، وضعیت را نامناسب ارزیابی و برای بهبود آن با احتساب معدل دبیرستان در کنکور، حذف سهمیههای مختلف موافقت داشتند که این یافته با مطالعهای در دانشگاه علوم پزشکی اهواز نیز تأیید شده است (۱۹). به علاوه مطالعات نـشان داده که معدل نمرات علوم تجربی در زمان کنکور از قدرت پیش بینی بالایی در میزان موفقیت دانشجویان برخوردار است (۲۰) . چنین به نظر میرسد که توجه بیش از پیش به تجربیات اساتید در این خصوص ضروری می باشد. از نظر اعضای هیأت علمی شاغل در دانشکدههای غیرپزشکی در مقایسه با شاغلین دانشکده پزشکی، بند «توان ایجاد حل

مشكل در دانشجويان» اهميت بيشتري را در موفقيت آموزشی مدرس داشته است. با توجه به تربیت دانشجویان دوره دکترا در دانشکده یزشکی این یافته بسیار دور از انتظار است. دانشجوی پزشکی در مواجهه با بیماران مختلف با مشکلات متعددی روبرو خواهد شد و بدیهی است که داشتن توان حل مشکل در دانشجویان می تواند نشانه خوبی از موفقیت آموزشی مدرس باشد، اما توجه بیشتر مدرسان دانشکدههای غیریزشکی در این خصوص میتواند بهدلیل رابطه نزدیک تر آنان با علم آموزش باشد. اعضای هیأت علمی دانشکدههای غیرپزشکی عمدتاً در طول دوران تحصیل خود واحدهای مرتبط با روش آموزش را گذراندهاند، این نکته خود می تواند نقش مهم و اساسی در تفاوت دیدگاه های اعضای هیأت علمی (مربی و استادیار دانشکدههای پزشکی و غیر پزشکی) داشته باشد. اعضای هیأت علمی با سابقه کار بیش از ده سال در مقایسه با سایرین ، نقش فعالیت پژوهشی استادان را درموفقیت آموزشی مهم تر دانستند. به نظر می رسد با توجه به تجربه این افراد، نکته حاضر می تواند تأکید بر اهمیت پژوهش و تولید علم بر کیفیت آموزش باشد.

به طور کلی مشکلات متعددی در مورد سیستم آموزش فعلی کشور (۲۱)، قوانین و مقررات موجود آموزشی (۲۲) وجود داشته که مطالعه حاضر نیز تأکید بر ایسن نکات دارد. به علاوه هماهنگ با پیشنهادهای به عمل آمده در سایر مطالعات مبنی بر مشارکت بیشتر اعضای هیات علمی در امر برنامه ریزی آموزشی و تجدید نظر کلی در ایسن مورد (۲۳) چنین به نظر می رسد که مشارکت مستمر و

قانونمند اعضای هیات علمی و انعکاس مداوم دیدگاه این بخش از سیستم آموزشی، نقش مهمی در تحولات ضروری و اجتناب ناپذیر روند آموزش پزشکی داشته باشد و توجه بسیش از بسیش در ایس خصوص پیشنهادمی گردد.

تشكر و قدرداني:

از مدیریت پژوهشی که امکان انجام چنین تحقیقی را فراهم نمودند و از همکارانی که در تکمیل پرسشنامه و جمع آوری آن ما را یاریگر بودند و همچنین از کسانی که تایپ گزارش نهایی را به عهده داشتند، تشکر و قدردانی می شود.

منابع:

- ۱- اسدالهی پ، افشار پ. مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اهواز در خصوص وضعیت فعلی آموزشی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. سال ۱۳۸۱ ؛ شماره ۷، صفحه ۱۱.
- ۲- بذرافکن ل، نیک سرشت ع. بررسی دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی پیرامون تدوین طرح درس در شرایط موجود. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره ۷، صفحه ۲۸.
- ۳- روابط عمومی دبیرخانه شورای پزشکی و تخصصی کشور. خبرنامه آموزشی پزشکی و تخصصی ، برنامه
 آموزشی ، خردادماه ۱۳۷۸ ؛ شماره هفتم ، صفحات ۲۱-۱۹ .
- 3- روابط عمومی دبیرخانه شورای پزشکی و تخصصی کشور، خبرنامه آموزش پزشکی و تخصصی ، اصلاح روند تدوین برنامههای آموزشی دورههای تخصصی و فوق تخصصی، خرداده ماه ۱۳۷۸ ؛ شماره هفتم، صفحه ۱۵.
- ۵- ظفر قندی م، فتوحی ا، رضایی ا، صادق نیت خ، مهرداد ر. نظرسنجی از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران در رابطه با مشکلات دانشگاه و دانشکدهها (آبان و آذرماه ۱۳۷۲). مجله دانشکده پزشکی تهران، سال ۱۳۷۷؛ شماره ٤، صفحات ۹۱-۸۷.
- ۲- روابط عمومی دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی کشور. خبرنامه آموزشی پزشکی تخصصی،
 وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مردادماه ۱۳۷۸؛ شماره هشتم، صفحات ۶۲-۳۹.
- ۷- بذرافکن ل، دهقانی مر، دهبزرگیان م. مقایسه نظرات اساتید بادانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در ارتباط با فرایند آموزش پزشکی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱، شماره ۷، صفحه ۲۹.
- ۸- سهیلی ث، زینالو ع، صدیقی گیلانی م، خاکبازان ز. بررسی تأثیر کارگاههای آموزشی برگزارشده در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی تهران از سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۸۰. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱ ؛ شماره هفتم، صفحه ۷٤.

- ۹- عباسعلی زاده ف، صحاف ابراهیمی ف، خوشباطن م، ولی م، صفائیان ع. بررسی آگاهی و نگرش اعضای هیأت علمی بالینی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در زمینه آموزش طب سرپایی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱ ؛ شماره هفتم، صفحه ۷۸.
- ۱۰-نوحی ع، حق دوست ع، فرج زاده س. تأثیر کارگاههای مقدماتی روش تدریس بر آگاهی، نگرش و عملکرد مدرسین دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، تابستان ۱۳۸۱ ؛ شماره ۲۲ ، صفحات ۹-۵.
- ۱۱-بهادرانی م، یمانی ن. بررسی دانش نگرش و عملکرد اعضای هیأت علمی دانشگاه نسبت به کاربرد رایانه و شبکههای اینترنت در امر آموزش در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان(سال ۱۳۸۱). مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱ ؛ شماره هفتم، صفحه ۳۶.
- ۱۲-ادهمی ا، جوادی ی، حق دوست ع. ارتباط امکانات آموزشی و نیروی انسانی بخشهای علوم پایه پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی کرمان. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، تابستان ۱۳۸۱ ؛ شماره ۲۲، صفحات ۳۱-۰۹ .
- 13. Ryam M, Carlton KH, Ali NS. Evaluation of traditional classroom teaching methods versus course delivery via the world wide web. J Nurs Educ 1999 Sep; 38(6): 272-70.
- ۱۳-خوشباطن م، هریرچی قدیم ح، صفائیان ع، عطایی ب، ولی م. نظرسنجی از دانشجویان دستیاران اساتید و فارغ التحصیلان پزشکی در خصوص آموزش پزشکی به منظور ارتقای کیفیت آموزش پزشکی در دانشکده پزشکی تبریز. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱ ؛ شماره هفتم، صفحه ۵٤.
- ۱۵- خوشباطن م، احساسات وطن م، شیرودبخشی آ، عبدالعلیان ف، نامداری ف. بررسی دانش نگرش و عملکرد اعضای هیأت علمی دانشکده پزشکی تبریز در مورد وسایل کمک آموزشی در تابستان ۸۱. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱ ؛ شماره هفتم، صفحه ۵٦.
- ۱۵-برهان مجابی ک. وضعیت آموزشی بالینی رشته دندانپزشکی از دیدگاه اساتید و دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، تابستان ۱۳۸۱؛ شماره ۲۲، صفحات ۵۵-2۸.
- ۱۹-غفوریان بروجردنیا م، شکوریان ع. بررسی دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی اهواز نسبت به بازخورد نتایج ارزشیابی استاد و بهبود کیفیت تدریس. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره هفتم، صفحه ۹۲.
- 17. Wallin L, Bostrom AM, Harrey G, Wikblad K, Ewald V. Progress of unit based quality improvement: an evaluation of a support strategy. Available at: http://www.ncbi.nlm.nih.gov/

- ۱۹ افشاری پ، اسدالهی پ. مقایسه دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اهواز درخصوص نحوه گزینش دانشجو برای دانشگاه. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱ ؛ شماره هفتم، صفحه ۱۳.
- ۲۰ صبوری کاشانی ۱، زینالوع. معیاری جدید برای گزینش داوطلبان پزشکی. مجله ایرانی آموزش در علوم یزشکی، سال ۱۳۸۱ ؛ شماره ۷، صفحه ۸۵-۸۵.
- ۲۱ -صفری ی، بازرگان ر، دارابی ف، سالاری ن. بررسی دیدگاه مدرسین دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در خصوص موانع استفاده از روشهای تدریس فعال. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱ ؛ شماره هفتم ، صفحه ۸۶
- ۲۲ فرود افسر، فرود افسانه. بررسی نظرات دانشجویان و اعضای هیأت علمی پرستاری و مامایی در مورد
 مشکلات آموزشی بالینی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱ ؛ شماره ۷ ، صفحه ۹۰.
- ۲۳ محمدی م، زینالو ع، گرانمایه م، آزاد س، عارفانیان ح. بررسی نظرات اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مورد مشکلات موجود در برنامه ریزی آموزشی دانشگاه. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱ ؛ شماره ۷، صفحه ۱۱۸.